

متن مصاحبه مطبوعاتی آقای دکتر کریم سنجابی دبیر کل جبهه

ملی ایران در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۲۸

درباره علت استعفاء از عضویت دولت موقت انقلاب

و پیشنهاد برای سازندگی در جهت ادامه انقلاب

خانمها - آقایان

با تشکر از حضور شما در تشکیلات مرکزی جبهه ملی ایران در ارتباط با استعفاء اینجانب از دولت موقت ناگزیر توضیحات مختصر زیر را باطلاع میرساند: با این امید که با حفظ وحدت انقلابی پیروزی انقلاب عظیم ملت ما را تضمین نمائیم.

هنگامیکه آقای مهندس بازرگان از اینجانب برای شرکت در دولت موقت انقلابی دعوت نمودند با آنکه میدانستم شرایط حاکم روز اجازه نخواهد داد در فرصتی کوتاه تغییرات بنیادی در سازمان حکومتی بوجود آید صرفاً "بمنظور حفظ وحدت نیروهای انقلابی و تقویت دولت موقت برای گذشتن از مرحله انتقالی مسئولیت شرکت در دولت را پذیرفتم. در دوران سخت مبارزات نیز کوشش برای ایجاد وحدت در صفوف نیروهای انقلابی مهمترین وظیفه ای بود که در برابر خود احساس میکردم و علاوه بر فداکاری در برابر توطئه های رژیم استبداد و اختناق برای حفظ هم بستگی نیروهای مبارز از هیچگونه کوشش خود داری نمیکردم. سقوط رژیم جبار و خونخوار پهلوی نتیجه همین وحدت عمل تمام نیروهای مردمی بود.

انقلاب عظیم ملت ما تنها یک رویداد داخلی در رویا روشنی با یک استبداد داخلی نبوده است، بلکه جنبه های ضد استعماری و ضد امپریالیستی این انقلاب ملت ما را در مقابل مطامع دول استعماری و عوامل دست نشانده ناحیه ای قرار داد.

این انقلاب یک پدیده جهانی بوده و با بهره مندی از یک رهبری قاطع و با برخورداری از ایمان سرشار ملت ما با آزادی و استقلال واقعی کلیه محاسبات استعماری را بهمریخت. تردیدی نبود که در مقابل عظمت انقلاب ملت ما قدرتهای استعماری و عوامل داخلی به توطئه چینی بپردازند. در فردای انقلاب اختلافات قومی و مذهبی در سطح جامعه مطرح گردید و انقلاب اصیل ملت ما را با خطرات و تهدیدات داخلی و خارجی مواجه ساخت.

با آگاهی از توطئه های ضد انقلاب دولت موقت در شروع بکار در برابر کوهی از مشکلات قرار داشت ولی روحیه انقلابی و حمایت بی دریغ همه قشرهای مردم موجب شد که در مراحل اول کوششهای عناصر ضد انقلاب خنثی گردد.

موفقیت بزرگ دولت در این دوران انجام رفراندوم بمنظور اجرای تشریفات رسمی سقوط رژیم شاهنشاهی و استقرار جمهوری اسلامی بوده است ولی متأسفانه از هم پاشیدگی مطلق نیروهای انتظامی و توزیع سلاح بین افراد و نیروهای فاقد صلاحیت - بهمریختگی کابله شئون اجتماعی و اقتصادی و بطور کلی عدم توفیق دولت در ایجاد قدرت اجرایی موجب گردید وضع نابسامانیکه بر اثر فرو ریختن نظام حکومتی سابق در سازمان اداری - اقتصادی و صنعتی کشور بوجود آمده بود، همچنان باقی بماند و کوششهای دولت در جهت سازندگی در این مرحله بشمر نرسد. مشکلات اساسی دولت را در این مرحله بشرح زیر میتوان خلاصه کرد:

۱ - در برابر دولت که عملاً " فاقد قدرت اجرایی است دو نوع دولت دیگر خودنمایی میکند. یکی بقایای اقتصادی - سیاسی و اداری رژیم سابق که همچنان با بر جا بوده و بصورت های مختلف در کار دولت اخلال میکنند شبکه های سازمانی ساواک و سایر دستگاه های جاسوسی خارجی بصورت فعال و مسلح به عناصر انقلابی حمله میبرند و با دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی نغمه های ناموزون ساز میکنند و مشکلات عملی برای وحدت ملی و امنیت مردم و پاسداران انقلاب ایجاد مینمایند. زمزمه احیا و باز سازی ساواک بهر شکل و صورت یکی از وجوه پایداری بر جانی سازمانهای رژیم سابق میباشد. عناصر دیگر رژیم سابق با تحریک احساسات و افزایش

خواستهای گروههای مختلف اجتماعی سطح در خواست مردم که در بیشتر مواقع نیز منطقی است و میتواند بطور کلی موجه تشخیص داده شود بنحو مصنوعی بالا برده و از شروع کار و ایجاد نظم و سازندگی جلوگیری مینمایند .

نوعی دیگر از دولت بصورت قدرتهای متعدد و با عناوین مختلف در سراسر مملکت ظاهر گردیده و با اقدامات خود طلبه یک اختناق را فراهم میآورند این قدرتهای متعدد بصورت دسته های مسلح مختلف و کمیته های بدون مسئولیت هر یک با فرمان یک گروه و یا یک شخص و بدون توجه به رهنمودهای رهبری انقلاب و دولت موقت انقلابی حاکمیت خود را در مقابل حاکمیت دولت مستقر نموده و بیم آن می رود اختلاف سلیقه های شخصی گروههای مختلف پیروزی قطعی انقلاب را با مشکلات عظیم مواجه نموده فاجعه ای بزرگ ببار آورد که اولین و نخستین فاجعه آن قربانی کردن حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی در این مسلخ میباشد .

کمیته ها که در ایجاد امنیت و جلوگیری از ضد انقلاب نقش اساسی به عهده داشته و خدمات پر ارزشی به انقلاب مقدس ملت کرده اند بعلت رخنه بعضی عناصر مشکوک و تعدادی عناصر فرصت طلب - عدم تشکل و وحدت سازمانی ، در بسیاری موارد بصورت عوامل منفی جلوه گر گردیده و عملاً " در مقابل اعمال حق حاکمیت دولت خود اعمال حاکمیت مینمایند .

ضابطه کار این کمیته ها بهیچوجه روشن نیست و حتی تذکرات و رهنمودهای رهبری انقلاب و دولت و دادستان انقلاب در بسیاری موارد نادیده گرفته میشود . عطیات خودسرانه مراکز متعدد قدرت که با اتکا بقدرت اسلحه انجام میگیرد چنان خوف و وحشتی در قشرهای جامعه فراهم آورده که باعث افزایش مشکلات دولت شده است . نمونه ای از این مداخلات افراد غیر مسئول در کادر وزارت خارجه یعنی وزارتخانه ای که اینجانب مسئولیت اداره آنرا عهده داشتم چنان بود که این قبیل مداخلات در واشنگتن و کنسولگریهای ایران در آمریکا را بصورتی جلوه گر کرد که برای دولت در ارتباط با سیاست خارجی کشور موهن و غیر قابل تحمل گردیده بود .

عکس‌العمل و نگرانی مردم در مورد حادثه توقیف فرزندان حضرت آیت‌الله  
طالقانی مجاهد بزرگ انقلاب ایران که فقط یک نمونه از این اعمال خودسرانه و  
بدون مسئولیت است خود گویای این حقیقت است که خدای ناکرده آزادگان باید  
در رثای آزادی مرانی دیگری بسراید .

توقیف‌ها و محاکمات بشکلی که صورت می‌گیرد بیم آن می‌رود که نتوان از آن  
برای افشاگری جنایات بیشماری که علیه فرزندان این آب و خاک بعمل آمده است  
استفاده نمود . جنایتکاران باید بصورت انقلابی مجازات شوند ولی با رعایت کلیه  
اصول و مقررات حاکم بر جامعه . باید همه مردم در جریان آن قرار گرفته و اسناد  
آن در معرض عموم قرار گیرد .

۲- مشکل بزرگ دیگر دولت عدم امکان پیشبرد طرح و برنامه‌های اجرائی  
برای حل مشکلات کنونی در مرحله فعلی انقلاب می‌باشد . هم‌اکنون تمامی سازمانهای  
اجرائی در سطح کشور بر منوال قبلی است جز اینکه دولت موقت از حاکمیت مطلق  
برخوردار نبود و مراکز قدرت بدون تعیین حدود مسئولیت در سراسر مملکت پراکنده  
می‌باشد . هیچگونه تغییر اساسی در هیچیک از سازمانهای اداری و اقتصادی کشور  
بعمل نیامده است . مصادر حکومت بجای اجرای طرحهای اساسی بطور روزمره به  
مشکلات و مسائلی می‌پردازند که نتیجه مستقیم وجود مراکز مختلف تصمیم‌گیری و  
اجرائی است .

نظر به اینکه ادامه این وضع کشور ما را با خطرات بزرگی مواجه می‌ساخت و  
نظر به اینکه پراکنده بودن مواضع تصمیم‌گیری و اعمال قدرتهای فردی و دسته  
جمعی با مسئولیت مشترک ووزرا در اداره مملکت سازگار نیست و با توجه به اعتقاد  
اساسی اینجانب که در سراسر عمر خود برای حفظ اصول و موازین عالی قانونی و  
انسانی کوشیده‌ام و با توجه به اینکه اداره مملکت بنحو مطلوب و عاری از دخالت  
های مزاحم عناصر غیر مسئول صورت نمی‌گیرد برای اعلام هشدار نسبت به خطرات  
احتمالی ناگزیر استعفا کردم و مقتضی ندیدم که با ادامه عضویت در هیئت دولت  
بدون آنکه موفق بهیچگونه تغییر اساسی در نظام کنونی گردم صرفاً در اختیار

یک سازمان اداری و برای انجام امور عادی کارمندی قرار گیرم .  
استعفای اینجانب نباید بعنوان عکس العمل در مقابل دولت تلقی گردد .  
این استعفا عکس العملی است در مقابل پیدایش و رشد مراکز متعدد و بی مسئولیت  
قدرت که امیدوارم بی آمد آن منجر به پیدایش و رشد یک حکومت با اعمال حاکمیت  
مطلق ناشی از اراده مردم باشد .

بنظر اینجانب دولت موقت انقلابی بعنوان برنامه کوتاه مدت و فوری باید  
دو طرح زیر را بموقع اجرا بگذارد :

۱ - ایجاد امنیت در سراسر کشور - مقصود از امنیت تامین و تضمین حقوق  
و آزادیهای فردی در یک کشور اسلامی و مبتنی بر نظام عدل اجتماعی اسلام است  
- امنیت قضائی و امنیت در برابر تعرض های فردی و گروهی - تامین آزادیهای  
فردی و اجتماعی بخصوص آزادی نشر افکار و عقاید و اجتماعات بنحوی که رهبری  
انقلاب و سایر مراجع تقلید و زعمای ملی بارها تاکید و تصریح کرده اند ولی متأسفانه  
عملاً " رعایت نگردیده است در صورتیکه انقلاب بزرگ ملت در نخستین مرحله  
تحقق خود بعنوان قدم اول نتواند این خواست بزرگ مردمی را جامه عمل ببوشاند  
از هدف اساسی خود فاصله بسیار گرفته است . برای نیل باین هدف عناصر و نیرو  
های غیر انتظامی مسلح باید برای احتراز از درگیریهای مسلحانه ناشی از اختلاف  
مشرک سیاسی بصورت یک گارد ملی با نظارت و رهبری دولت انقلابی در خدمت  
پاسداری از ره آوردهای انقلاب قرار گیرند . دولت و ملت را در مقابل هر نوع  
توطئه های ضد انقلابی داخلی و خارجی حمایت کنند بدون اینکه در مسائل داخلی  
دولت بطور مستقیم مشارکت داشته و در روابط و تضادهای فردی افراد جامعه دخالت  
نمایند و بدون اینکه بتوانند با برخورداری از حمایت یک فرد یا یک گروه چه در  
داخل و چه در خارج دولت اختیارات قوای انتظامی و نیز قوه قضائی را محدود  
سازند .

سازمانهای انقلابی مسلح باید برای انجام این هدف یعنی پاسداری از انقلاب  
در مقابل هر توطئه بصورت یک سازمان واحد و منضبط تحت نظارت و سرپرستی

دولت قرار گیرند و قادر نباشند خارج از نظارت دولت و بصورت مستقل و حتی تهدید با اقدام مسلحانه و احتمالاً "تمرد اقدام نمایند".  
دولت موقت یا هر دولت دیگری که مورد تأیید رهبری انقلاب و کلیه اقشار جامعه باشد باید بصورت تنها قدرت حاکم که حاکمیت آن ناشی از اراده مردم باشد عمل نماید.

۲- برآمانداختن چرخ های اقتصادی کشور- همانطور که شاهد هستیم بسیاری از کارگران و زحمتکشان کشور که در پیروزی انقلاب سهم عمده ای داشته اند نگران سرنوشت خود هستند - کارگاهها و مراکز صنعتی موجود باید در جهت ساختمان یک نظام اقتصادی متناسب و برای رسیدن به یک سطح اشتغال کامل بکار افتد . برنامه های عمرانی مورد نیاز با طرحهای فوری باید بمورد اجرا در آید اجرای این نظم نیز بدون تحکیم قدرت و موقعیت دولت در سراسر کشور امکان پذیر نمیشود . راه عملی تحقق دو اصل اساسی فوق بنظر اینجانب کوشش برای ایجاد حاکمیت ناشی از اراده مردم با احترام بحقوق و آزادیهای فردی و استفاده از عناصری است که با توجه بقدرت و صلاحیت شخصی از همه قشرها و نیروهای جامعه الهام بگیرد . امید فراوان دارم که این هشدار نیروهای ملی را به رسالت خطیر خود آگاه سازد و باعث آن گردد که با حفظ وحدت انقلابی و تقویت یک دولت نیرومند و مسئول و قاطع برای اتخاذ و اجرای تصمیم از بروز توسعه حوادث ناگوار جلوگیری بعمل آید .

